

بحرالدين كمال الدين

معیار زبان ادبی و زبان مطبوعات تاجیک

جمله در هر زبان عبارت است از تلفیقی از مجموعه‌ای از واژگان در یک پیوستار معنایی و ساختاری. به عبارت دیگر بنیاد جمله در هر زبان بر پایه دو عنصر معنی و جایگاه کلمه و ترکیب‌هایی که که ارکان جمله را مشخص می‌کنند و دیگری عناصر سازنده آن کلمات یا مرفم‌های ساختاری. عدم توجه به این پیوستار منطقی که پایه دستور هر زبان را تشکیل می‌دهد، خود به خود به ناهنجاری در زبان و گفتار منجر می‌گردد. با این رویکرد، در اینجا به زبان مطبوعات در مقام مقایسه با زبان ادبی پرداخته و تا حد امکان تلاش می‌گردد عیاری برای میزان ارزیابی آن ارائه داد.

زبان وسایط اخبار عامه، وضع کنونی زبان ادبی تاجیک را منعکس می‌نماید. از آن روشن می‌گردد که در ساختار نحوی زبان ادبی معاصر ما چگونه تحولات به وجود آمده است و با تأثیر کدام عوامل زبانی و غیرزبانی رخ داده است. یکی از آن عوامل تأثیر زبان زنده، لهجه و گویشها، دیگری تأثیر زبان‌های بیگانه است که از نشریه و برنامه‌های رادیو و تلویزیون می‌توان پی برد.

این درست نیست که هر گونه نوآوری زبان مطبوعات را تأثیر منفی زبان مطبوعات همزبانانمان به حساب آورد. بلکه بر عکس، به مدد زبان مطبوعات ایران و افغانستان شماری کلمه‌ها در زبان مطبوعات ما پیدا شده که بیش از پیش جایگاه خود را در گفتار و نوشتارمان قویتر می‌کنند، مانند نیاکان، بانوان، داور، یاور، پزشک، پیراهن، برق، سپیده، نیروگاه، پایگاه (پایگاه نظامی)، دانشگاه، دانشکده، دستگاه، شبکه، کاخ، مرز، ناحیه، میهن، سازمان،

ساختار، رشته، فرهنگ، دورنما، پرداخت، روند، درود، مواد، فشرده، صدمه، گسترش، پدیده، درخواست، بهداشت، قانون‌شکنی، برخوردار، والا، فرزانه، گرامی، سالیان، برکنار کردن (شدن)، ارتش، سلاح، افسر و غیره.

عبارت و ترکیبات فعلی: بررسی کردن، به توافق رسیدن، به تصویب رساندن، مورد اجرا قرار دادن، تقویت کردن، از وظیفه سبک‌دوش کردن (شدن) و غیره.

در کنار قیدها و ظروف قدیم زبان فارسی دری از قبیل ضمن، پیرامون، علیه، علی‌رغم، بدون، طبق، توسط، به وسیله، مورد، از نظر، از دید و غیره، قیدهای به زبان مطبوعات امروزه مان‌وارد گردیده، تدریجاً معمول شده‌اند. البته همه گونه قیود با تأثیر زبان مطبوعات ایران و افغانستان در زبانمان پیدا شده را قابل قبول شمردن ممکن نیست. پیشاینده ترکیبی با در نظر داشت (با نظر داشت) از همین قبیل واسطه گرامری است که به طبیعت نه تنها زبان تاجیکی، بلکه به اصالت زبان‌های فارسی و دری هم بیگانه است.

در علم زبانشناسی ما به این گونه مسائل مهم زبان ادبی معاصر تاجیک و تمایل رشد منبعده آن کم اهمیت می‌دهیم. از همین سبب در این مقاله به همین جنبه زبان مطبوعات، رادیو و تلویزیون تاجیک بیشتر نظر کردیم و خواستیم که توجه روزنامه‌نگاران را به آن جلب نماییم تا از اصالت زبان مادریشان آگاهی پیدا نموده، در نگارشهای خود هرگونه کلمه و اصطلاح و عبارتهای ناشایسته را به کار نبرند و زبان ادبی تاجیک را که مهمترین وسیله تبادل فکری در جامعه ما به شمار می‌رود، از غلطها ایمن نگاه دارند.

خود شاهد بوده‌ایم که تعلیم گرامری زبان تاجیکی در مدارس بارها حمله کرده‌اند و این برنامه تعلیمی را باعث کاهش ملکه زبان‌دانی شاگردان دانسته‌اند. اگر از ایشان بپرسید که کلمه بی‌پرتیگی (بی‌حزبی) از لحاظ ساخت چه نقصان دارد، به سبب ندانستن قاعده‌های کلمه‌سازی زبان تاجیکی چه پاسخ خواهند داد؟ استاد عینی سبب غلط بودن این کلمه‌ها را در

حاشیه متن اثر ترجمه شده چنین شرح داده بود:

«من باید بر بالای کلمه «پرتیگی» (حزبی) و «بی پرتیگی» بسیارتر ایستم، زیرا بیشتر جوانان و همه روزنامه‌های ما در کار فرمودن کلمه دوم یعنی «بی پرتیه» خطا می‌کنند: «بی پرتیگی» کار می‌فرمایند و حال آنکه این تعبیر نه به قاعده راست می‌آید و نه به زبان خلق که اساساً قاعده هم از زبان خلق گرفته می‌شود.

قاعده این است که اگر کلمه منسوب صفت یک چیز شده آید، در وی ادات نسبت - «ای، -گی» ظاهر کرده می‌شود. چنانچه نوروز پرتیگی است. اگر صفت منسوب را به «بی» نفی کردنی شویم، ادات نسبت «-ای»، «-گی» پرتافته می‌شود. چنانچه: نوروز بی پرتیه است. اکنون ما این قاعده را به زبان خلق یعنی به زبان خانگی خود مستحکم می‌کنیم. مثلاً اگر شما در خانه تریزه (پنجره) شیشه‌دار داشته باشید، می‌گویید که: «تریزه من شیشگی است». اما اگر به تریزه‌تان شیشه نگذرانیده باشید یا اینکه شیشه‌اش شکسته باشد، می‌گویید که: «تریزه من بی شیشه است». اگر در اینجا بگویید که: «تریزه من بی شیشگی است»، خودتان هم می‌خندید، شنونده هم. پس این خطا که هیچ کس در گپ‌زنی خانگی خود نمی‌کند، از کجا آمده است؟ از کورکورانه ترجمه کردن روسی آمده است. زیرا در روسی ادات نسبت در اثبات و نفی برابر اظهار می‌شود، ترجمان‌ها هم «партийний»، «беспартийний» را عیناً ترجمه کرده‌اند! در وقت ترجمه زبان خانگی خود را فراموش نموده‌اند. «بی پرتیگی» گفتن نه تنها یک خطای لفظی است، بلکه معنای غیر مطلوب افاده می‌کند. اما در اینجا جای تنگی کرد و نوشتن آن ممکن نشد. می‌توانید این خصوص را در نحو خوانید.

دلیل قاطع ص. عینی در اثبات عقیده خود این است که واژه ساختگی «بی پرتیگی» به قانون و قاعده‌های کلمه‌سازی و زبان مردمی که در طول صدها سال به میان آمده، تکمیل یافته و پایدار و استوار گردیده، مطابقت نمی‌کند. معلوم می‌شود که ص. عینی دو جنبه را اساس یا

جوهر معیار زبان ادبی تاجیک می‌شمارد: یکی قانون و قاعده‌های کلمه‌سازی، شکل‌سازی و عبارت و جمله‌بندی، دیگری زبان مردمی، زبان کارخورده و آب و تاب یافته. علاوه بر این کلمه، ادات نسبت، صفت منسوب، نفی کردن، اثبات و نفی اصطلاح‌های زبان‌شناسی بوده، مفهوم‌های علمی را بیان می‌کنند و مؤلف برای دانستن جنبه‌های دیگر معنای «بی‌پرتیگی» به خواننده پیشنهاد می‌کند که قاعده‌های نحو زبان را آموزد. پس اگر چنین قانون و قاعده‌های زبان تعلیم داده نشوند، چه طور زبان‌دان شدن ممکن است؟

قدرت و توانایی زبان ادبی به آن هم وابسته است که معیارهای آن در قاعده‌های تلفظ (تجوید)، املا، استفاده از عناصر لغوی، عبارت‌پردازی، طرز و واسطه‌های کلمه و ترکیب‌سازی، شکل‌سازی، عبارت و جمله‌بندی تا چه اندازه استوارند و در گفتار و نوشتار، در اسلوب‌های مختلف بیان فکر از طرف صاحب‌زبانان رعایت می‌شوند.

- معیار املا و تلفظ

نااستواری معیار و قطعاً رعایت نشدن آن را در همه جنبه‌های زبان تاجیکی می‌توان مشاهده کرد. می‌توان گفت که در خصوص چگونه استفاده کردن از کلمه و اصطلاحاتی که از زبان روسی و یا با یاری آن از زبان‌های دیگر، موافق تلفظ و سبک نوشتاری روسی قبول شده‌اند، زبان ادبی ما در اعراف مانده است. بدون واجهای Б, П, Ц و علامت جدایی (ь) نوشتن آن کلمه‌ها و اصطلاحات همه مشکلات تلفظ و نوشتن آنها را برطرف نمی‌کند. مسئله موافق طبیعت دستگاه آوایی زبان تاجیکی (تلفظ مصوتها و صامتها، هم‌نشینی آنها، زده (تکیه) کلمه و...) تلفظ کردن و نوشتن کلمه و اصطلاحات باعث به میان آمدن قرینه‌ها یا واریانت‌ها گردیده است:

Телефон / тилфун, семинар / семинар, конференция / конфронс,
 агенті / ожонсї, парламент / порлумон, компьютер / компутер /
 компутар, политсия / пулис, милитсия / милиса, магазин / мағоза

کلمه‌های اقتباسی یسلی (خانهٔ کودکان)، تُفلی (کفش)، میلیسه (پلیس)، ماشینه و غیره، مطابق طبیعت کلمه‌های تاجیکی، مثل حولی، شالی، بهی، مونسه، ماشابه با تکیهٔ هجای آخر کلمه تلفظ می‌شوند، ولی کلمه‌های زیاد اقتباسی دیگر خصوصیت تکیه‌ای زبان روسی را نگاه داشته‌اند. به عبارت دیگر زبان تاجیکی یا آن کلمه‌های بیگانه را هضم نموده، یا با قانون خود نتوانسته مطابق کند.

در املاي کلمه‌های اقتباسی عربی و اصیل تاجیکی (فارسی) نیز همین حالت مشاهده می‌شود: Саид/Саъид, эҷод/ичод, Эрон/Ирон و ...

هنگام اصلاح املاي زبان تاجیکی در بعضی موارد، معیار یگانه رعایت نگردیده است: خوشه‌های йа, йу, йе, йо با یاری واجهای я, ю, е. ё در املاي کلمه‌های تغییر، مایل، بایگری، مویین (موی‌دار) و غیره از خوشهٔ /йи/ استفاده می‌شود. این هم یکی از سبب‌های ناستواری املا است.

– معیار استعمال کلمه

در استفاده از واحدهای لغوی در زبان مطبوعات چنین نواقصی مشاهده می‌شود:

۱. کلمه و افاده‌هایی که دایرهٔ استعمالشان محدود است:

– عنصرهای لغوی خاص گفتگوی عامیانه یا لهجه: رُچقه (یونُچقه)، رهین (آماده، رهسپار)، غزدی (کثیفی)، سُوخانیدن (به سوراخی چیزی را جای کردن)، شَپیدن (کوفتن، زدن)، قورت کردن (فرو بردن)، جگات کردن / انداختن (چین در جبین کشیدن)، ترس خوردن (ترسیدن، به ترس و هراس افتادن)، کُنده شدن (حیران شدن، در حیرت افتادن، بی حرکت ماندن) و غیره.

خود این همه صفت را رهین خدمت مردمش نموده است (نشریهٔ همراز، شمارهٔ ۵،

(۲۰۰۱)؛ هر وقتی که مار زنده‌ای را دستگیر نماید، آن را زنده قورت می‌دهد (همراز، ش ۴، ۲۰۰۱)؛ وقتی که گندم کلخوزی را در زمین بریگادمان شپیدیم، سه چهار قنار گندم خانه آوردم (عایله، ش ۵۱، ۲۰۰۲)؛ - من...نکن- جگات انداخت دختر- تیز باش. وقت تنگ (جوانان تاجیکستان، ۲۰۰۰/۱۱/۲).

- کلمه‌های روسی یا اروپایی که به زبان ادبی تاجیک داخل نگردیده‌اند، ولی گه‌گاه در گفتگوی عامیانه استفاده می‌شوند: облага, призывник, заложник, разветка, боевик, посредник, клиент, доля, валютчик و غیره.

آنها بعد «رَزارِ که» (جنگ و دعوا) بین خود به مراسم آمده، پولها را برابر تقسیم نمودند (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۲/۱)؛ پس از پخش نوار او مرا به قولی برای «رَزارِ» کردن به اداره‌شان دعوت نمود (عایله، ۲۰۰۶/۳/۹).

- کلمه‌های ترکی (ازبکی) معمول زبان گفتگو و یا شیوه محل: آلیک (معاش)، چپان (جامه)، تیاق چوپانی (چوبدست چوپانی)، تُمشوق (فک)، آریق (جوی، جویبار)، تامرقه (قطعه زمین)، اوسون (نسبت زهای دو برادر به هم)، آنیق (صحیح)، آرکش کردن (آمیخته کردن)، آلیش کردن (عوض کردن)، یماق کردن (وصله کردن) و غیره.

رفیق اروپایی با چپان و جای‌نماز از نماز عید برآمده، با ماشین سبک‌رو خود از صبح تا شام کار خیر- بی‌مزد خدمت کرد (عایله، ش ۵۱، ۲۰۰۲)؛ بعد جستجوهای چندساعته از داخل آریقی یافتیم تو را (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۱/۱۷)؛ راهبران وعده دادند، جای فرو رفته و تَه (وان حمام) را روزهای نزدیک یماق می‌کنند (عایله، ۲۰۰۵/۱۲/۱۵).

- کلمه و افاده‌های خاص گروه‌های اجتماعی (لهجه‌ها): پول کندن، پول شکستن. مثال: اگر بازدار (بازداشت) کنند و ریگیسترسیه (ثبت) هم داشته باشید، با هر بهانه پول می‌کنند (روز نو، ۲۰۰۳/۸/۷)؛ والیوتچیک صرّاف هر آدم بوده نمی‌تواند. زیرا اگر والیوتچیک لاغر و

یا خُرَدجته باشد، او نمی‌تواند فریب کند (به زبان خود آنها «پول شکند») (جوانان تاجیکستان، ۲۰۰۰/۱۲/۱۴). پول کردن- با هر بهانه پول ستاندن از شخص بازدارنده، پول شکستن- به آدمی که پول عوض می‌کند، دادن پول قَلبکی (تقلبی) است.

- کلمه و افاده‌هایی که از استعمال عموم برآمده‌اند: بسیج (میل و رغبت، عزم)، همواره (همیشه، مدام)، ضایعه (تلفات)...

در پیام رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) در مورد بسیج عموم برای مبارزه با بی‌سوادی گفته می‌شد؛ البته ضایعه از دست دادن پدر جبران‌ناپذیر است (جهان پیام، ۲۰۰۴/۴/۱).

- در استفاده از کلمات و اصطلاحات نو هم به طریق موازی چند لغت مشاهده می‌شود: سراغه/ نشانی، تلفن مابیلی/سیار/دستی...

۲. شماری از کلمه‌ها و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی که از زبان روسی یا به واسطه آن از زبان‌های دیگر اروپایی اقتباس شده بودند، از زبان ادبی امروزه ما منسوخ شدند. متأسفانه چنین کلمه‌ها بعضاً در زبان رسانه‌های تاجیک وامی‌خورند: университет (دانشگاه)، компания (شرکت)، потенциал (اقتدار)، филиал (شعبه)، фонд (ذخیره)، капитал (سرمایه)، эксперт (کارشناس)، команда (دسته)، проблема (مسئله، قضیه، مشکلات) و ...

به مصاحبه به روزنامه انیورسیتیت (دانشگاه) داده‌اش شیو شارون (Шив Шарон) اظهار نموده است... (عایله، ۲۰۰۶/۳/۱۶)؛ اما در برابر این کاپیتال (سرمایه) اساسی‌شان را خودشان زحمت کشیده، با راه مستقلانه با تجارت مشغول شدن به دست می‌آرند (عایله، ۲۰۰۶/۳/۲)؛ امروز جامعه ما را پرابلمیه (مشکلات) مهمی فرا گرفته است... (عایله، ۲۰۰۵/۱۲/۸).

- به کار بردن کلمه در جایگاه نامناسب

کلمه‌ها در در ارتباط با سلسله مرادف‌های زبان تاجیکی از جهت‌های ذیل فرق می‌کنند: تابش معنایی، سبک و اسلوب، بار حسی مثبت و منفی، زمان، مکان.

مرادف‌هایی که از لحاظ تابش‌های معنایی از همدیگر فرق می‌کنند، مرادف‌های لغوی و مرادف‌هایی که با آب‌ورنگ گوناگون از یکدیگر فرق می‌کنند، مرادف‌های اسلوبی می‌نامند. مرادف‌های لغوی در زبان زیاد نیستند. چنان که در سلسله مرادف‌های تأمل، فکر، اندیشه، ملاحظه و فعل‌های ترکیبی تأمل کردن، فکر کردن، اندیشه کردن، ملاحظه کردن، اسم اندیشه و فعل اندیشه کردن از مرادف‌های دیگر با دو تابش معنایی فرق می‌کند: بیم داشتن، ترسیدن و روی‌خاطر کردن کسی؛ از جاهت اندیشه داشتم، اکنون که در چاهت دیدم، فرصت غنیمت شمردم (سعدی)؛ نخواست که اندیشه موی سفید مرا نکنی؟ در چنین مورد کلمه اندیشه یا ترکیب اندیشه کردن را با مرادف‌های دیگر عوض کردن ممکن نیست. اگر تابش‌های معنایی مذکور را در نظر نگرفته، از کلمه یا ترکیب بالا استفاده کنیم، نامناسب می‌شود.

فعل «نقل کردن» از مرادف‌های گفتن، بیان کردن، حکایت کردن، قصه کردن و غیره با تابش معنایی گذراندن، یعنی واقعه یا حادثه‌ای از کسی شنیده یا از جایی خوانده را به مصاحب گفتن فرق می‌کند: روزی پَرده مکتوب سه‌گوشه نو از پدرش آمده را به کوچه گرفته، برآمد. مضمون آن را با مبالغه‌های بالاخانه‌دار به جوهره‌اش نقل کرد (ف. محمدی‌اف، ورطه، ۱۰۳)؛ از درد و الم همه عذاب‌های دیده‌ام را به آنها نقل کردم (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۱/۱۷). در مثال اول فعل نقل کردن مناسب، ولی در متن روزنامه نامناسب آمده است.

کلمه لحظه و مورد از مرادف‌های وقت، زمان، هنگام، ایام و غیره با تابش معنایی کوتاهی وقت یا کمی فرصت فرق می‌کند، بنابر این در جمله ذیل نامناسب به کار رفته است:

یولیا آن لحظه او را به خانه‌اش برده با کُشه گریچکه‌دار (نوعی شله از گندم سیاه) ضیافت‌داری نمود (عایله، ش ۱۲، ۲۰۰۰)؛ تنها تغایم عبدالرحمان بود که من و برادر بی‌کس مانده‌ام؛ عادلجان را به آغوش گرمش کشید و تا لحظه‌ای زنده بود، از این آغوش گرم رهایمان نساخت (زندگی، ۲۰۰۵/۰۱/۱۳). در همین مورد در دیبه از آمدن بهرام گفتگو داشتند (چرخ گردون، ۲۰۰۵/۵/۲۰).

اولاً اگر کسی را به ضیافت دعوت کنید و او راضی شود و شما طعام پخته نزدش گذارید، وقت زیاد می‌گذرد و این مدت را لحظه شمردن اصلاً روا نیست. ثانیاً کُشه گریچکه‌دار نه، شله مرجمک گفتن لازم بود (لغت روسی- تاجیکی، ۱۹۸۵، ص ۱۹۰). اگر خوف آن باشد که معنای کلمه مرجمک را نه همه می‌دانند، شله مرجمک (гречка) نوشتن لازم است. ثالثاً، در تاجیکی «چه ضیافت کرد؟» می‌گویند، نه «با چه ضیافت کرد؟». در این متن غلط دیگر در ساخت کلمه مرکب ضیافت‌داری مشاهده می‌شود. در نتیجه مخلوط شدن جزئیهای دو طرز بیان: ضیافت کردن و مهمانداری کردن، ترکیب ناقص ضیافت‌داری کردن (نمودن) حاصل شده است. این پدیده را در زبان‌شناسی کنتامیناسیه (контаминатсия) می‌نامند.

با فعل کمکی «زدن» شماری عبارتها یا فعلهای ترکیبی از قبیل به چیزی یا کاری دست زدن، چیزی را به پول زدن، چیزی را به کیسه زدن... ساخته شده است. ص. عینی هم حریصانه و بدنفسانه آش‌خوری قاری اشکمبه را «آش را به تگ بینی‌اش زد» گفته است. در همه این تعبیرها مفهوم عمل بار منفی پیدا می‌کند، چنان که در جمله: اشیاهای خانه را به سودا زده، بر عوضش نان نه و عرق و وینا می‌خریدی (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۱/۱۷)؛ وقتی که اولین بکلشکه‌ها (بانکه‌های پلاستیکی) در جمهوری پیدا گردیدند، مردم خرسند شده... بکلشکه خالی‌شده‌ای را تگ کش زده، به خانه می‌بردند (چرخ گردون، ۲۰۰۵/۵/۲۰).

اگر «شاعر به موضوع قهرمانی خلق تاجیک در جنگ بزرگ وطنی هم دست زده است» گوئیم، اقدام ایجاد کار تابش نامطلوب، عمل گستاخانه پیدا می‌کند. بنابر این در متن‌های ذیل این واحد عبارت‌سازی غلط به کار رفته است: در آستانهٔ دهمین سالگرد جشن وحدت ملی، پرزیدنت دولت تاجیکستان با استفاده از حقوق‌های تشبث قانون‌گذاری خود به اقدام شفقت‌باری دست زد (وحدت، ش ۶ (۸۶)، ۲۰۰۷)؛ از روزگار و فعالیت صاحبکارانی که به کار خیر دست می‌زنند، نمایش‌ها تیار کردن هم هیچ بدیی ندارد (منبر خلق، ۲۰۰۴/۷/۲۸). در متن اول، سخن در بارهٔ قانون عفو می‌رود که بی‌شبهه کار خیر است. آدم به کار خیر دست نمی‌زند، بلکه عمل نیک را انجام می‌دهد. این افاده در جمله‌های ذیل مناسب به کار رفته است: جالینوس ابلهی را دید، دست در گریبان دانشمند زده و بی‌حرمتی می‌کرد (سعدی)؛ بعضی از ناظران انداز هنگام تفتیش به قانون‌ویران‌کنی‌ها دست می‌زدند (چرخ گردون، ۰۴/۷/۲۳). در متن دوم به جای کلمهٔ مرکبی که از سه واژهٔ (قانون-ویران-کن) با یاری پسوند -ی ساخته شده است، قانون‌شکنی یا ویران کردن قانون بهتر است گفته شود.

همین گونه غلط را در به کارگیری واحد عبارت‌پردازی «به نظر (چشم) رسیدن» هم مشاهده می‌کنیم: امروزها در جامعهٔ ما قانون‌شکنی‌های زیادی به چشم می‌رسند (عایله، ش ۱۲، ۲۰۰۰)؛ اگر وضعیت امروزهٔ مکتب و معارف را با ۱۰-۱۵ سال گذشته مقایسه نماییم، البته تغییرات نظرس مقداری و صفتی خیلی زیاد به چشم می‌رسد (جمهوریت، ۰۵/۹/۱۴). افادهٔ «به چشم (نظر) رسیدن» نسبت به عمل، حالت، حادثه یا واقعه‌هایی به کار می‌رود که خیلی کم روی می‌دهند، بنابر این در ترکیب آن عادتاً ظرف‌های کم، بعضاً، گاه‌گاه و غیره می‌آیند. در مثال‌های بالا کلمهٔ زیاد و عبارتهٔ خیلی زیاد بر خلاف تابش معنایی از عبارت «به چشم (نظر) رسیدن» استفاده شده است.

در سلسلهٔ مرادف‌های خوب، خوش، به، نغز بیشتر جنبه و اسلوب زبان گفتاری

داشته، در اسلوب بلند تصویر، در نظم یا اثر علمی استفاده چندان جایز نیست که استفاده شود، گرچه ناصر خسرو فرموده است:

در شعر ز تکرار سخن باکی نیست زیرا که خوش آید سخن نغز به تکرار
مرادف‌های لغوی آفت، بَشْره، شکل و شمایل و غیره نیز نمود ظاهری شخص را با بار
معنایی منفی بیان می‌کند. اگر از چنین نازکی معنا صرف نظر شود، غلط اسلوبی سر می‌زند.
مقایسه کنید:

«هرچند شکل و شمایل این سوار دهشت‌انگیز باشد هم، مردم این درّه از وی هیچ
باکی نداشتند؛ یک جوان تخمیناً بیست‌ساله... چشمانش درخشان، لیکن اندیشه‌مند، پیشانیش
فراخ، لیکن پرچین، رخساره‌اش چون سیب سرخ تابان، لیکن غمگین که از بَشْره‌اش
اندیشه‌مندی نمایان بود، به خیال فرو رفته در گوشه‌ای از باشگاه مردم دورتر می‌نشست»
(ص. عینی).

در این متن از سلسله مرادف‌های لغوی روی، کلمه‌های شکل و شمایل و رخساره به
موقع، ولی کلمه بَشْره بی‌موقع استفاده شده است، زیرا مرادف‌های شکل و شمایل در جمله اول
به اشخاص منفی نسبت داده شده، در جمله دوم دو کلمه که یکی بار مثبت (رخساره) و
دیگری معنای منفی (بَشْره) دارد، به قهرمان اساسی مثبت اثر یعنی آدینه نسبت داده شده است.
ترکیب یک زمره اصلاً با اسم‌های شخص تناسب معنایی دارد، ولی در جمله ذیل به
اسم معنی نقشه‌ها نسبت داده شده است:

«برنامه فعالیت و مبلغ‌گذاری تاجیکستان از جانب بانک عمومی جهانی یک زمره
نقشه‌های کمک اقتصادی، ساحوی و پست نمودن سطح کم‌بضاعتی را در بر می‌گیرد» (چرخ
گردون، ۲۰۰۱/۰۱/۱۹).

- معیار استعمال واحدهای فرازیولوژی (عبارت‌پردازی)

در ترکیب بیشترین واحدهای فرازیولوژی کلمه‌ها به معنای اصلی به کار نمی‌روند، بنابر این معنای کلی عبارتهای فعلی از معنای تک تک کلمه‌های آن به دست نمی‌آید، بلکه از معنای مجموع کلمه‌ها یا از پس‌منظر عمومی آنها حاصل می‌گردد. طبیعی است که تغییرات کم و بیش ترکیب لغوی، ساخت و شکل کلمه‌ها، ساختار نحوی عبارت یا جمله ترکیبی به درک معنای واحد فرازیولوژی بعضاً چندان تأثیر نمی‌رساند. از همین سبب غلط‌ها در ترکیب و ساختار واحدهای فرازیولوژی به میان می‌آیند:

۱. کنتامیناتسیه (контаминатсия) آن نوع غلط است که کلمه‌های جداگانه یک واحد فرازیولوژی با کلمه واحد فرازیولوژی دیگری که یک تناسب یا قرابت معنایی دارد، عوض می‌شود. چنان که «اهمیت بزرگ بازیدن» در نتیجه عوض شدن فعل داشتن (اهمیت بزرگ داشتن) با بازیدن (نقش بزرگ بازیدن) حاصل شده است:

«برای عاقلانه اداره نمودن این مملکت مشورت با همسر سهم بزرگ می‌بازد» (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۲/۸)؛ «در ضرب‌المثل‌ها؛ تشبیه، کنایه و مجاز اهمیت کلان بازی می‌کند» (مقاله علمی)؛ «این نوشته‌های شاعره در بلند برداشتن حس وطن‌دوستی خلق و به خصوص جوانان مقام کلان بازیده است»؛ «خلاصه، کتاب «مبارزه خلق تاجیک به مقابل استیلاگران و اسارتگران اجنبی»... در بلند برداشتن حس وطن‌دوستی خلق تاجیک در سالهای جنگ بزرگ وطنی، مقام خیلی کلان بازیده است» (تاجیکستان، ۲۰۰۵/۰۵/۵).

در زبان تاجیکی افاده مجازی «مرغ الهام کسی به پرواز آمد» وجود دارد. با تأثیر همین بیان مجازی بی‌نقصان، چنین بیان منطقی غلط به وجود آمده است: «ما منتظر حکایه‌های کوتاه کوتاهی هستیم که... کلک خیال‌انگیز شما در سیرانگه علم و دانش به پرواز آمده باشد» (جوانان تاجیکستان، ۲۰۰۰/۰۹/۱۴). البته «به پرواز آمدن کلک» را عقل سالم اصلاً

قبول نمی‌کند.

۲. در ترکیب واحدهای فرازیولوژی (عباره‌پردازی) کلمه‌های جداگانه با کلمه دیگر عوض می‌شوند، در نتیجه طرز طبیعی بیان کاستی پیدا می‌کند. در عبارتهای ذیل افاده‌های با سر بلند، سر بلند داشتن (سر بلندانه)، به گردن بلند داشتن؛ کُرته کُرته گوشت گرفتن، به دامن دامن گوشت گرفتن تبدیل یافته است: «به قولی گردن بلند دامن می‌گرفت و دشمن؛ عایشه‌خاله از دشنام‌ها و لَت و کوب پسرش دامن دامن گوشت می‌گرفت» (روز نو، ۲۰۰۴/۱۱/۵).

سرآمدان سخن ناب فارسی و تاجیکی، تعبیرهای ریخته (عباره‌سازی) را طرزی به کار برده‌اند که سخنی را عوض کردن یا اختصار نمودن امکان‌ناپذیر است:

درد عشقی کشیده‌ام که می‌پرس زهر هجری چشیده‌ام که می‌پرس (حافظ)

اکنون ببینید که اهل مطبوعات امروزه ما عبارتهایی مثل «درد عشقی کشیدن» و «زهر هجری چشیدن» را به چه حال زار گرفتار کرده‌اند: ...درد یتیمی را نچشد (همراز، ۲۰۰۱/۳۱)؛ درد خانه‌ویرانی هنوز از دوشم نرفته است؛ آخر هر یکی آرزو و هوس ناچشیده دارد (چرخ گردون، ۲۰۰۱/۰۳/۳۰)؛ هیچ گاهی چنین دقیقه‌های سینه‌ریش و پرالم نچشیده بودم (عایله، ش ۴۸، ۲۰۰۰)؛ قرار دادیم با هم عایله سالمی ساخته، شهد زندگی بچینیم (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۲/۸).

در مثال‌های بالا درد عشق کشیدن، زهر هجر چشیدن عبارتهای سالم ریخته‌اند، زیرا (بار) درد عشق را کشیدن و زهر هجر را چشیدن منطقاً درست است، ولی درد، آرزو و هوس، دقیقه‌ها را چشیدن، شهد را چیدن، از دوش نرفتن درد را تصور کردن مشکل است.

در زبان تاجیکی با فعل کمکی «شکستن» بسیار تعبیرها ساخته شده‌اند: تشنگی شکستن، روزه و حتی گردن خواب را شکستن افاده‌های پخته و بی‌نقصان مردمی‌اند: من چون

تَشَنگان از چشمه آب نوشیده تشنگی نشکسته ماندم؛ ... تیز تیز آمده خمار شکسته می‌رفتند (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۱/۱۷). اما هوس شکستن، آرزو شکستن یا بخت کسی شکستن، افاده‌های معمول زبان ادبی نیستند: چون دخترم دانشگاه را ختم کرده آمد، با آرزو و هوس او را به شوهر داده، هوس شکستم (چرخ گردون، ۲۰۰۱/۰۱/۵)؛ زوجه‌ام برای طفل آینده کُرتچه و لوختکچه‌ها می‌دوخت، آرزو می‌شکست؛ بخت من هم در ورطه شکست‌یابی قرار دارد (چرخ گردون، ۲۰۰۱/۰۱/۱۹).

یا اینکه به واسطه فعل خوردن عباره‌های قسم خوردن، فریب خوردن و غیره ساخته‌اند، اما هوس کسی را خوردن افاده صناعی است: همه هوس زندگی تو را می‌خورند (همراز، ش ۱، ۲۰۰۱)؛ جای تعجب و حسدخوری نبود، بخت که خندید نمی‌پرسد بچه که بودند را. در اداره بودند آنهایی که از آمد کار سیاووش خرسند می‌شدند و دیگری حسد می‌بردند (چرخ گردون، ۲۰۰۱/۱۱/۱۶). آیه تحفه از روی نوشته‌هایتان بسیاری‌ها حسد می‌برند و هوس هم می‌خورند (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۲/۲۹).

از چیزی حسد بردن، به چیزی هوس کردن (نکردن)، هوس کسی آمد (رفت) بیانات معمول گفتار مردمی‌اند: به زندگی پدر و مادرم می‌نگریستم و هوسم می‌آمد (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۲/۸)؛ به لباس‌پوشی دوگانه‌هایش نگریسته، هوسش می‌آمد (همراز، ش ۴۲، ۲۰۰۰)؛ مهمان‌ها مرا دیده آب دهان می‌ریختند، هوسشان می‌رفت (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۱/۱۷).

۳. گاهی تغییرات اندکی در ساخت و ترکیب کلمه و یا در ساختار عباره یا جمله ریخته باعث غلط واحد فرازیولوژی (عباره‌پردازی) و طبیعی بیان نشدن مطلب می‌گردد. مثلاً عبارت فعلی «از چیزی شهادت دادن» به غلط به طریق ذیل به کار برده شده است: ...سلسله مقاله‌های مذکور نیز شهادت آن بوده (تاجیکستان ساوتی، ۱۹۹۰/۰۱/۱۴)؛ سفر چند دفعینهٔ پرزیدنت مملکت شهادت این گفته‌هاست (منبر خلق، ۲۰۰۴/۰۷/۲۸). طرز درست بیان چنین

است: شاهد آن بوده، شاهد این گفته‌هاست و یا از آن شهادت می‌دهد، از این گفته‌ها شهادت می‌دهد.

۴. از ترکیب واحد فرازیولوژی کلمه‌ای می‌افتد، در نتیجه قالب معمول زبان ادبی نقصان می‌یابد. چنان که افادهٔ درست «از عهدهٔ اجرای کاری برآمدن»، راه حل مسئله، حیات به سر بردن به طرزی از اجرای کاری برآمدن، راه مسئله و به سر بردن استفاده می‌شود که بی‌شبهه غلط است: ... پتانسیل کادری امروزه مقامات گمرک ولایت قادر است که از اجرای همه گونه وظیفه و سپارش‌های دولت سربلندانه برآید (عایله، ۲۰۰۵/۰۱/۲۷)؛ ... به شادی بیک راه دیگر مسئله را پیشنهاد کرد (چرخ گردون، ۲۰۰۱/۰۱/۱۹).

۵. از آنجا که واحدهای فرازیولوژی هر زبان را خود صاحبان همان زبان آفریده‌اند و در آنها تفکر، جهانبینی و نظر همان مردم به واقعه و حادثه‌های زندگی و طبیعت بیان یافته است، بعضاً عیناً ترجمهٔ آنها به مثل عباره و جمله‌های عادی امکان‌ناپذیر می‌گردد. اما گاه گاه در زبان مطبوعات به طریق تحت‌اللفظی (به اصطلاح «کالکه»-калка) ترجمه کردن ترکیب‌های ریخته، واحدهای فرازیولوژی، ضرب‌المثل و مقال‌ها مشاهده می‌شود. زمینهٔ تصویر، بیان واقعه یا حادثه که بیگانه است، نمایندگان زبان دیگر مضمون آن افاده‌ها را به آسانی درک نمی‌کنند: سیب نزاع، یراق سرد، نفس سرد مرگ ترجمهٔ تحت‌اللفظی تعبیرهای روسی яблоко раздора, холодное оружие, холодное дыхание смерти است. باز چند مثال دیگر:

طی ده‌ساله‌های آخر پناهندگان افغان برای حکومت اسلام‌آباد درد سر ایجاد می‌کرد (جوانان تاجیکستان، ۲۰۰۰/۱۱/۳۰)؛ ... به خیالش نوبت به او باور کردن اداره‌کنی تکنیک رسیده است؛ از این جایها چه قدر گندم یا سبزووات (سبزیجات) رویاندن ممکن بودنش را به خود تصور می‌کنم (منبر خلق، ۲۰۰۰/۰۷/۲۸)؛ مرضیه تشنهٔ علم و فن بوده دایما برای بالا

برداشتن سوپه دانش خود از بالای خود کار می‌کند (گزیتة معلمان، ۱۹۸۷/۰۵/۱۲)؛ اشتراکداران سمینار راه و اصول‌های مختلف بیرون آمدن از این مسایل را پیشنهاد نمودند (عایله، ش ۴۰، ۲۰۰۰)؛ تنها بعد ده دقیقه آنها به خود آمده به پلیس زنگ زدند، اما جای پای دزد آلكی سرد شده بود (چرخ گردون، ۲۰۰۱/۱۱/۱۶)؛ گروه آدمان همه چیز را به دل خیلی نزدیک قبول می‌کنند (عایله، ش ۴۷، ۲۰۰۰)؛ وقتی دیدند که به مقصدهای خود رسیده نمی‌توانند، قرطه محل را کار فرمودند (تاجیکستان، ۱۹۹۴/۰۵/۶)؛ اما وقت منتظر نیست (تاجیکستان ساویتی، ۱۹۸۰/۰۱/۶)؛ می‌گویند که وقت همه دردها را دوا می‌بخشد (عایله، ش ۲۰، ۲۰۰۳).

چنین ترجمه‌های تحت‌اللفظی یا نسخه‌برداری‌های غلط از زبان‌های دیگر باعث هزل و

شوخی‌های شاعران گردیده است:

گفتا به زنش که بود ناتاب اندک:

«خودحس کنی» شما چه طور است زنک؟ (میرزا کینجه)

- معیار کلمه‌سازی

کلمه‌سازی و ترکیب‌بندی زبان مطبوعات امروزه‌مان نیز از نقصان‌ها ایمن نمانده است: خوراکه، نوشاکه، پوشاکه، لباسه (خوراکواری، نوشاکواری، پوشاک، لباسواری)، تاریک‌شبه (تاریک‌شب)، بازارکی، اسقاطچی، عیدگردکچی، مشاطه‌گری، موضع‌های فراغتی (فراغت)، شرایط کاری و استراحتی (کار و استراحت)، صدمه نقلیاتی (نقلیات)، عملیات تفتیشاتی (تفتیشات)، پرونده جنایتی (جنایی یا جنایت)، اشیاهای آرایشاتی (آرایش)، درست استفاده‌بری از تکنیک (استفاده درست تکنیک، از تکنیک درست استفاده بردن)، معركة یم (دانه‌های خوراکی چارپان غیر از علف) و خاشاک‌طیارکنی (طیار کردن یم و خاشاک)،

ساحه با آب تأمین کنی (تأمینات آب یا با آب تأمین کردن)، سوختارسرزنی (سر زدن سوختار)...

از مواد خوراکی یکچند بانکه میوه نمک خورده... یافت شد و خلاص (عایله، ش ۲، ۲۰۰۶).

در اشعار حافظ با صفت پر، به مثل پرلعل، پرخون و... کلمه‌های مرکب ساخته شده، اما در زبان مطبوعات امروزه، صفت‌های مرکب پرافگار، پرتلاش، پرآرزو، پرمسئولیت، پرترحم، پرفرح، پرغناوت، پرخروشانه به کار می‌رود که غلط هستند (صفت پر با صفت افگار نمی‌آید) یا صحنی به نظر می‌رسد.

صفت‌های مرکب آرایش‌سازی، شش‌حجره‌دار، کودک‌دوست‌دار، صاحب‌بخت و غیره نیز به قاعده‌های کلمه‌سازی زبان موافق نمی‌آیند. اسم آرایش خود مفهوم عمل را افاده می‌کند، به آن افزودن فعل‌های کنی یا سازی حاجت نیست. کلمه‌های مرکب شش‌حجره و کودک‌دوست علامت مطلوب را بی‌کم و کاست بیان می‌کنند. آدم بابخت یا خوشبخت و بختیار یا برعکس بی‌بخت، بدبخت، بخت‌برگشته می‌شود.

از روی حرف یا هجای اول کلمه‌ها اختصار کردن واژه‌ها به طبیعت کلمه‌سازی زبان تاجیکی بیگانه بوده، با تأثیر زبان روسی به میان آمده است. یگانه جهت مثبت اختصارها این است که مفهوم‌های مرکب را کوتاه بیان می‌کنند. موجز بیانی در اسلوب‌های کارگزاری رسمی و نشریات سیاسی و اجتماعی اهمیت خاص کسب می‌نماید. اختصارهای حرف اول کلمه‌ها زبانزد و معروف باشند، برای خواننده مشکل ایجاد نمی‌کنند، بر عکس حال برای فهمیدن معنای چنین اختصارها لازم می‌آید که خواننده روزنامه با متن کامل‌تر آشنا گردد. اختصارهای هجا به هجا نیز حسن و ملاحظت گفتار و نوشتار را خلل‌دار می‌کنند: زهراخیمیکت، تاجیک‌برق‌تعمیر، تاجیک‌وزریوپرام، تاجیک‌خارج‌کار، تاجیک‌اطلس و...

نام چنین مؤسسه‌ها و سازمان‌ها را در قالب عبارت بیان نمودن بهتر است.

چنین طرز کلمه‌سازی هم برای زبان تاجیکی بیگانه است:

совхоз-техникум, механик-ронанда, тонна-километр, семинар-мачлис, семинар-машварат, фестивал-озмун, илмй-оммави, илмй-методи, хочагиҳои фермерй-дехконй ...

در کلمه‌سازی فعل هم در زبان مطبوعات غلط‌های زیاد دیده می‌شود. مرادف‌های پرسیدن، سؤال (سؤال) دادن و جواب، پاسخ دادن سلسله‌های گوناگون فعل‌های هم‌معنا را به وجود آورده‌اند. از اسم پرسش که هم‌معنای سؤال (سؤال) است، فعل ترکیبی پرسش کردن یا پرسش دادن نمی‌سازند، اما از اسم پرس و جو فعل پرس و جو کردن ساختن ممکن است: - آنور، پرسش معمولی می‌دهم (جوانان تاجیکستان، ۲۰۰۰/۱۲/۱۴). در این جمله فعل ترکیبی پرسش می‌دهد غلط محض است. این نقصان در نتیجه آمیخته کردن کلمه سؤال با پرسش در کلمه‌سازی فعل رخ داده است. به مثل همین کلمه‌های حساب و محسوب، تعجب و متعجب شکل‌های گوناگون ریشه یک کلمه عربی‌اند. عجیب است که با فعل کمکی «یافتن» ترکیب «حساب یافتن» ساخته می‌شود، اما در زبان تاجیکی فعل «محسوب یافتن» وجود ندارد: راه‌سازی یکی از کارهای نیک اجدادانمان محسوب می‌یابد (جوانان تاجیکستان، ۲۰۰۰/۹/۱۴)؛ هنگام تحصیل در این درگاه علم او از زمره دانشجویان بهترین محسوب می‌یافت (همراز، ش ۴، ۲۰۰۱). مثل همین با اسم تعجب ترکیب فعلی «تعجب کردن» و عبارت فعلی «در تعجب ماندن» ساخته می‌شود، ولی «همه متعجب شده» نمی‌گویند: برای بسیاری از مردم این کُرته عجیب است و با دیدن آن همه متعجب شده برای خریدنش دهان همیان را باز می‌کنند (همراز، ش ۵، ۲۰۰۱).

فعل‌های ترکیبی نوشته کردن، دیدن کردن، تشکر کردن و امثال اینها در زبان

مطبوعات ما در دهه‌های اخیر پیدا شده‌اند: عمکم کاغذی را نوشته کرده سوی زن دراز کرده گفت (عایله، ش ۴۰، ۲۰۰۰)؛ مراتبۀ اول، بعد بازگشت از مراسم حج از شهرهای تهران، شیراز، کرج، قم و مشهد دیدن کردند (چرخ گردون، ۱۹۹۸/۰۳/۲۷). اصلاً فعلهای نوشتن و دیدن عمل را بیان می‌کنند و به فعلهای کمکی کردن، نمودن احتیاج ندارند. فرض کردیم، کلمه‌های کار و تحصیل هم نام عملند و بدون فعل کمکی مفهوم عملی را می‌فهمانند، ولی بی فعلهای کمکی معناهای گرامری صیغه، زمان، شخص، شمار و غیره را نمی‌توانند بیان کنند. دیگر این که فعل «دیدن» به شرح پرسش «چرا؟» نیاز دارد و تشکر گفتن یا اظهار تشکر کردن (نمودن) هم سؤال «به که؟» را طلب می‌کند، نه «از که؟». یعنی: ...شهرهای تهران و غیره را دیدند یا تماشا کردند؛ به شما تشکر می‌گویم یا اظهار تشکر می‌کنم.

در ساخت فعلهای زیرین هم نقص دیده می‌شود: وی به لطف و مهربانی دختر غرقیده، فراموش کرد که برای چه به این مکان نحس آمده بود (عایله، ش ۵۱، ۲۰۰۲) یعنی غرق شده؛ ... در نزد آساتسیتسیه (اتحادیه)، مرکزی را به کار شروع دادیم (جوانان تاجیکستان، ۲۰۰۰/۰۹/۱۴) یعنی شروع کنانیدیم؛ در لحظه‌های فارغ از کار تئاتر به چه عمل مشغول می‌ورزید؟ (چرخ گردون، ۱۹۹۷/۰۸/۲۲) یعنی مشغول می‌شوید، شغل می‌ورزید؛ جرأت کرده شوهرت را عذاب می‌کنی؟ (عایله، ش ۵۱، ۲۰۰۲) یعنی عذاب می‌دهی؟؛ ... اقللاً خبر نمی‌کنید که ما تشوش نشویم (چرخ گردون، ۲۰۰۰/۱۲/۲۲) یعنی تشوش نکشیم.

با یاری فعلهای گذرانیدن و بردن که اصلاً ترجمۀ روسی *проевести, вести* است، ساختن ترکیب‌های صنعی صحبت، کشت، کارکرد، چیکنکه، عملیات، تفتیش، سنجش، طبابت، جراحی، کنفرانس، تحقیقات... گذرانیدن، فعالیت بردن در

زبان گفتگو، مطبوعات و نشریات خیلی معمول گردیده است:

پدر سی‌ساله انگلیس با فرزندانش بازی پنهان‌شوک گذرانده ایستاده، برای خود جای غیرعادی یافت (عایله، ش ۶، ۲۰۰۶). مقامات حفظ حقوق ... تا بیگاه عملیات لازمه فوری گذرانده، شخصیت جنایتکار را معلوم نمود (کریم‌انفا، ۲۰۰۱/۲/۳)؛ حالا نسبت او در شعبه کارهای داخلی ناحیه مرکزی تفتیش می‌برند (همان، ش ۴۴، ۲۰۰۰).